

نقش انقلاب اسلامی ایران در افول قدرت آمریکا در اندیشه و مکتب دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

محمد پورقربان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳

چکیده:

انقلاب اسلامی ایران در شرایطی به وقوع پیوست که جهان دورانی پر فراز و نشیب، ناشی از جنگهای جهانی را پشت سر نهاده بود و نظامی موسوم به دو قطبی را تجربه می‌کرد. نظامی که شرط بقای ملتها را در پیوستن به یکی از دو قطب مسلط می‌دانست. سر دادن شعار «نه شرقی و نه غربی» در این فضای سیاسی بین‌المللی، بسیاری از محاسبات را بر هم زد و افق جدیدی پیش روی دیگر کشورها و ملتها گشود. شاید یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران گذر از نظام مسلط و ایجاد تربیتی جدید و به چالش کشیدن هژمون بین‌المللی بود. در این میان مکتب و اندیشه رهبر کبیر انقلاب در تثبیت و تداوم این حرکت نقش به‌سزایی ایفا نمود. امروز نیز مکتب و اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله العالی) که در امتداد با اندیشه معمار کبیر انقلاب اسلامی می‌باشد، توانسته است تأثیرات شگرف خود را ادامه دهد. این پژوهش در پی آن است تا نقش انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر افول قدرت آمریکا را مورد بررسی قرار دهد و در این میان چارچوب فکری و اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) را مد نظر قرار داده است. این پژوهش به طریق توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به انجام رسیده است.

واژگان اصلی: انقلاب اسلامی، مکتب دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، افول آمریکا.

مقدمه

کشور ایران که در اواخر قرن نوزدهم به ویژه بعد از شکستهای پی در پی در جنگهای با روسیه تزاری تضعیف شده و در مقابل تهاجمات نظامی، سیاسی و فرهنگی قدرتهای سلطه گر زمان تاب مقاومت نداشت و با توجه به موقعیت استراتژیکی این کشور، صحنه رقابت قدرتهای بیگانه قرار گرفته بود. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران جولانگاه نفوذ و رقابت قدرتهای بزرگ جهان که بازیگران اصلی در نظامهای شکل گرفته جهانی بودند قرار داشت (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۹۱). وابسته نبودن به قدرتهای حاکم وقت، و ادعای مسیری جدید در سیاست بین الملل، از نکاتی است که شاید نقطه اوج تقابل با نظام استکباری به شمار می‌رود. در همین خصوص حضرت امام فرمودند: «با اوج گیری انقلاب اسلامی و مطرح شدن شعار نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی انقلابیون شیوه مستقل و در تعارض با نظام حاکم بین المللی را در پیش گرفتند و توانستند بدون حمایت هیچ دولت خارجی آن را به پیروزی برسانند. این انقلاب اسلامی یک انقلاب عادی نیست و متکی به هیچ یک از دو قطب شرق و غرب نمی‌باشد. از این جهت ویژگی‌های خاص خود را داشته و دارد و با پیمودن صراط مستقیم لا شرقیه و لا غربیه در مقابل هر دو قطب ایستاده است و از هیچ یک از قدرتهای افسانه‌ای نهراسیده است، که همین موجب پیروزی‌های معجزه آسایی گردید» (صحیفه نور، جلد ۱۹: ۵). «سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه طلبان بی فرهنگ در زمین هستند مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده نمی‌رسند، حکومت پابرهنگان حق است» (صحیفه نور، جلد ۱۱: ۲۶۲) این موضع گیری و برخورد میان انقلاب اسلامی از یک طرف و نظام دو قطبی حاکم بر جهان از طرف دیگر تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد و نظام دو قطبی ادامه داشت. نباید فراموش کرد که انقلاب اسلامی در کشوری رخ داد که ژاندارم آمریکا در منطقه خاورمیانه بود و به عنوان یکی از ستونهای دکترین دو پایه‌ای نیکسون اشناخته می‌شد. در حقیقت بعد از گرفتار شدن آمریکا در باتلاق ویتنام، وضعیت به گونه‌ای بود که امکان مداخله نظامی از سوی آمریکا مشکل به نظر می‌رسید. بنابراین نیکسون دکترینی را ارائه نمود که دو کشور در منطقه خاورمیانه حافظ منافع آمریکا در منطقه باشند. یکی ایران به عنوان پایه نظامی و ژاندارم آمریکا و دیگری عربستان سعودی به عنوان پایه اقتصادی این دکترین. بر این اساس هر جا که حرکتی علیه

^۱- Richard Milhous Nixon

منافع آمریکا در منطقه اتفاق می‌افتاد، ایران می‌بایست به اعزام نیرو و سرکوب آن مبادرت می‌ورزید. به بیانی دیگر، این انقلاب در کشوری روی داد که می‌بایست در مقابل حرکت‌های ضد غربی در منطقه واکنش نشان می‌داد، اما خود به کشوری ضد غربی بدل شد. از سویی ایران پس از انقلاب، از پیمان ستو که در راستای اهداف غرب بود، خارج شد. بنابراین با وقوع چنین تحولی در ایران و ایجاد خلأ قدرت در منطقه، راهبردهای منطقه‌ای ابرقدرت‌های جهان نیز تغییر یافت. آنچه در تغییر استراتژی‌های دو ابرقدرت تأثیر بسزایی داشت، وقوع انقلاب اسلامی در منطقه‌ای بود که اغلب کشورهای آن از نظر بافت جمعیتی و دیدگاه‌های فرهنگی و دینی، به ایران نزدیک بودند؛ نکته‌ای که غرب و شرق را از وقوع تحولات مشابه انقلاب ایران، سخت به هراس افکند. بنابراین تأثیر رویداد انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی و همچنین طرح نظریه‌های جدید درباره حکومت و سیاست، هر دو ابرقدرت را بر آن داشت تا برای حفظ منافع خود در خاورمیانه به مهار انقلاب ایران پردازند و از هر سو آن را محدود کنند. مهم‌ترین این اقدامات تحریک صدام - دیکتاتور سابق عراق - برای حمله به ایران و سپس کمک‌های عادی و نظامی فراوان به او بود (عیوضی و هراتی، ۱۳۹۶: ۱۵۹). چگونگی برخورد آمریکا با ایران در دوران بعد از انقلاب، یکی از استراتژیک‌ترین گفتمان‌های سیاسی و امنیتی در محافل سیاست خارجی غرب به طور اعم و آمریکا به طور خاص بوده است؛ چگونگی این برخورد صرفاً مسئله‌ای دو جانبه در روابط تهران و واشنگتن نبوده و نیست، بلکه ماهیتی منطقه‌ای و بین‌المللی داشته و خواهد داشت. به عبارت دیگر روابط ایران و آمریکا موضوعی بین‌المللی است و از زمره مسائلی است که سایه آن را می‌توان در چند منطقه مهم ژئوپلیتیکی از جمله خاورمیانه عربی، خلیج فارس، قفقاز و آسیای مرکزی مشاهده نمود (سجادپور، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

انقلاب اسلامی در عمل استراتژی غرب را به چالش کشید. خطر بزرگ در واقع از آنجا نشات گرفت که این انقلاب در سرزمینی که در حوزه نفوذ غرب بود، در کمال عظمت پیروز شده و سیطره گفتمان غرب محور را به منازعه طلبید (محمدی، ۱۳۹۹: ۵۴۰).

به همین دلیل فوکو^۱ اهمیت تاریخی انقلاب اسلامی را نه به دلیل مطابقت با الگوهای انقلابی مشهور، که در قابلیت ویژه آن می‌داند، قابلیت‌هایی که می‌تواند عناصر سیاسی منطقه غرب

1- CENTO (Central Treaty Organization)

2- Paul Michel Foucault

آسیا و در نتیجه توازن راهبردی جهان را متحول و دستخوش تغییرات گسترده نماید. همان چیزی که بیداری اسلامی و بسیاری از جنبشهای آزادی خواهانه دنیا از پیامدهای آن بوده است. با توجه به مباحثی که گفته شد جای تردید نیست که انقلاب اسلامی، نه یک انقلاب در سطح ملی که خیزشی فراملی بوده است که تأثیرات زیادی در روند تحولات دنیای معاصر داشته است (میرزایی، ۱۴۰۰: ۳۰). با استقرار جمهوری اسلامی ایران که نتیجه تفکرات سیاسی امام خمینی (رحمه الله علیه) و پشتیبانی توده مردم بوده و در برداشتهای سیاسی از اسلام ریشه داشت، به شکلی بی نظیر در مأموریت سیاسی اسلام نهادینه شد. برای نخستین بار یک نظام سیاسی برخاسته از اسلام گرایی به شیوه‌ای انقلابی جایگزین یک رژیم سکولار غرب گرا و متحد استراتژیک غرب گردید و به اعتقاد بسیاری از مسلمانان، این تحول، پیروزی اسلام بر سلطه جویی قدرت‌های استعماری، به ویژه ابرقدرت آمریکا بود. پیروزی انقلاب اسلامی و بیداری مسلمانان فصل جدیدی از تقابل اسلام و غرب را فراهم کرد. هر چند، این روند امر جدیدی نبود و جهان اسلام، چندین نوبت در طول تاریخ با غرب مواجه شده بود. بسیاری حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا و حمله تروریستی به این کشور را اوج تقابل اسلام و غرب می‌دانند، اما بدون شک، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تبعات ناشی از آن تا انتشار کتاب کفرآمیز آیات شیطانی توسط سلمان رشدی، اوج تقابل اسلام و غرب بود (محمدی، ۱۳۹۹: ۵۳۷). هراس غرب از اسلام، ناشی از ریشه‌های مذهبی آن نیست، بلکه ریشه‌های سیاسی اسلام، که از تفکرات و اندیشه‌های اندیشمندان مسلمان نشأت می‌گیرد، غرب را به وحشت افکنده است. مذهب همیشه بوده است، اما برداشت سیاسی از مذهب برای غرب، مشکل آفرین گردید. آنچه امروز ادبیات اسلام در بر دارد، منبع مهمی برای مرعوب ساختن کسانی است که با اسلام خصومت دارند (محمدی، ۱۳۹۹: ۵۳۷) با وجود تمام سوء برداشتها، برآوردها و برخوردهای غرب به عنوان مرکزیت نظام بین الملل، انقلاب اسلامی، با به چالش کشیدن این گفتمان، بسیاری از عناصر مرکز محوریت غرب را تحت تأثیر قرار داده است (محمدی، ۱۳۹۹: ۵۳۹). در گفتمان مدرن، غرب در مرکز بود و تمدن‌های غیر غربی در پیرامون قرار داشتند؛ اما با مرکز زدایی که از غرب صورت گرفت، تمدن‌های غیر غربی از حاشیه به متن منتقل شدند. گفتمان انقلاب اسلامی، نه تنها غرب را از متن به حاشیه می‌کشاند، بلکه مدعی خروج غرب از پیرامون نیز گردید.

در مجموع باید به این نکته توجه نمود که انقلاب اسلامی یک تعاون سیاسی بود و فعلاً تجلی

آن جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی یعنی هندسه عمومی جامعه، نظام اسلامی، یعنی هندسه عمومی جامعه، اسلامی بشود. حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) جمهوری اسلامی را محصول انقلاب اسلامی نمی‌داند، آن را شعبه‌ای از جلوات اجتماعی انقلاب می‌داند؛ بدین معنا که انقلاب اسلامی حرکتی رو به جلو است که تأثیر اجتماعی و سیاسی آن نظام حقوقی سیاسی به نام جمهوری اسلامی است و انقلاب اسلامی در وجه سیاسی و حقوقی در این مجموعه تصویر شده است (رستمی پور، ۱۳۹۷: ۱۰۸).

۱- اندیشه دفاعی^۱

کشورها بنا به شرایط و دلایل گوناگون و در مقاطع مختلف، دستخوش بحران‌ها و تهدیدهای گوناگونی می‌شوند که عبور قدرتمندانه از آنها، سبب افزایش ثبات و توانمندی آن کشورها و برعکس، انفعال و تسلیم در برابر آنها به زوال و نابودی دولتها و نظام‌های سیاسی می‌انجامد. بنابراین مهمترین الزام راهبردی هر جامعه‌ای وجود اندیشه‌ی نظامی - دفاعی است. چرا که دولتها بدون اندیشه نظامی، در سیاست‌ها و راهبردهای خود از ثبات و انسجام کافی برخوردار نیستند. به همین دلیل، یافتن شیوه‌ای مناسب برای دفاع در برابر تهدیدها و داشتن تدبیر در کاربرد سلاح و نحوه نبرد در مقابله با دشمن ضرورتی تاریخی است که موجب خلق اندیشه‌های دفاعی مختلف در گذر تاریخ گردیده است. پویایی تفکرات و اندیشه‌های دفاعی، برنامه ریزی و تدوین سیاست‌های دفاعی و نهایتاً طرح اندیشه‌ها و راهبردهای دفاعی مناسب بر اساس چارچوب فکری و مبانی اندیشه‌ای افراد و نظام‌های سیاسی شکل گرفته و پا به عرصه وجود گذارده‌اند (حسین خانی، ۱۳۹۲: ۱).

اندیشه‌های دفاعی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) موضوعی است که به واسطه سابقه مبارزات انقلابی، مسئولیت‌های اجرایی، حضور میدانی در دفاع مقدس، مرجعیت دینی و فرماندهی کل قوای ایشان، منبع و مرجعی مهم و اثرگذار در سیاست‌گذاریها و تدوین راهبردهای دفاعی بوده و تعیین کننده نوع رفتار و عملکرد صحیح نیروهای مسلح جهت تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران است (تشکری پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۵).

کسینجر می‌گوید آیت الله خمینی (رحمه‌الله علیه) غرب را با بحران جدی برنامه ریزی مواجه کرد،

1- Defensive thought

2- Henry Alfred Kissinger

تصمیمات او آنچنان رعدآسا بود که مجال هر نوع تفکر و برنامه ریزی را از سیاست مداران و نظریه پردازان سیاسی می‌گرفت.

باید این موضوع مهم را مد نظر قرار داد که دین اسلام موطن اندیشه‌ها و نظریه‌های کارگشایی است که با تحلیل و پردازش آن، می‌توان نقشه مناسبی برای پیشبرد اهداف جامعه اسلامی ترسیم نمود. یکی از آراء مهم دین اسلام مسئله دفاع و امنیت است که بنیان و ریشه آن را می‌توان در قرآن و سنت جستجو کرد و با تتبع در آنها، مبانی و پایه‌های فکری آن را استخراج نمود (مردانی، ۱۳۹۷: ۴۸). اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) و مقام معظم رهبری در چنین فضایی شکل گرفته و پرورش یافته و به تبلور رسیده است.

اندیشه دفاعی دارای خصوصیتی است که می‌بایست در ابتدا مورد توجه قرار گیرند. برخی اندیشه‌های دفاعی مبتنی بر قالب‌های فکری هستند. تجربه نشان داده است که هر اندیشمندی بعضی از مفروضات را آگاهانه و یا به دلیل نگرش فلسفی، رهیافت، روش و یا ارزشهای خود، بدیهی و مسلم می‌انگارد. این امور همان قالب‌های فکری می‌باشند که در شکل‌گیری اندیشه‌های دفاعی مؤثر هستند. اندیشه دفاعی برای استفاده عملی تدوین می‌گردد. یعنی اندیشه دفاعی باید قابلیت اجرایی شدن داشته باشد. از طرفی برخی اندیشمندان معتقدند اندیشه دفاعی نمی‌تواند مبتنی بر تکرار مباحث و افکار پیشینان باشد؛ چرا که در این صورت نمی‌توان به آن اندیشه گفت. بنابراین باید از خلاقیت ذهنی در جهت تولید اندیشه‌ای نوین بهره گرفت (حسین خانی، ۱۳۹۲: ۱۵). اندیشه دفاعی در یک تعریف عام، برآیند هرگونه تفکر و تأمل درباره امور دفاعی و امنیتی است. این تعریف عام از اندیشه دفاعی، مجموعه دیدگاهها، رویکردها و مواضع قطعی و تثبیت شده یک اندیشمند یا یک مکتب درباره مسائل دفاعی است و در اصطلاح خاص دفاع، حاصل تفکر و تاملی منسجم دارای چارچوب نظری، اصولی و مستدل و با اهمیت در مورد امور دفاعی و نظامی است (سلامی و یداللهی، ۱۳۹۶: ۱۰). اندیشه دفاعی شامل اصول، آئین، خط مشی کلی و افکار و عقاید نظامی یک کشور می‌باشد که در واقع تعیین کننده مسیر حرکت و خطوط راهنمای راهبرد دفاعی آن جامعه به شمار می‌رود. با این تفاسیر چارچوب کلی دکترین دفاعی مقام معظم رهبری برجسته‌ترین ابعاد اندیشه نظامی معظم له می‌باشد. به عبارت دیگر اندیشه یا تفکر دفاعی، یک نوع دور اندیشی، آینده نگری و روشن بینی عمیقی است که در قالب طرح‌ها و برنامه‌های دقیق راهبردی موجب تأمین منافع ملی کشور در زمینه‌های مختلف در حال و آینده می‌شود. از منظر بسیاری از اندیشمندان نظامی سیاست دفاعی، تدابیر، رهنمودها و خط مشی‌های تدوین

شده برای تأمین اهداف ملی می‌باشد. لذا همین تدابیر و خط مشی‌ها نشأت گرفته از اندیشه دفاعی آن جامعه برای مقابله با تهدیدات خواهند بود. لذا آنچه که مهم می‌باشد نهادینه کردن و مدیریت علمی جامعه بر اساس ایدئولوژی، برای رسیدن به الگوی مناسب جهت ایجاد امنیت پایدار در جامعه می‌باشد. که فعالیتهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. برای شناخت اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) باید ابتدا به اندیشه‌های دفاعی حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) به عنوان معمار انقلاب اسلامی و ایدئولوگ اصلی انقلاب اسلامی ایران رجوع نمود. قطعاً در بررسی آراء امامین انقلاب نقاط و نکات مشترک بی شماری به دست می‌آید. اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمه‌الله علیه) در دوران پس از انقلاب، کارایی عملی خود را نیز با مدیریت چالش‌های متعدد دفاعی و امنیتی دهه اول انقلاب و به خصوص دفاع مقتدرانه در هشت سال دفاع مقدس و تثبیت نظام، به اثبات رساند، بنابراین از یک سو شناخت سیاست‌های دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی مستلزم درک جامعی از اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمه‌الله علیه) می‌باشد و از سوی دیگر شناخت، مکاشفه و تحلیل این اندیشه‌ها می‌تواند راهگشای ارائه چارچوب‌های کلان در جهت سیاست گذاری دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران - مانند استفاده به عنوان منبع تغذیه فکری در راستای تدوین سیاست‌های دفاعی و امنیتی و طراحی دکترین امنیت ملی - باشد (درویشی و فردی تازه کند، ۱۳۹۳: ۲). اقتدار دفاعی - امنیتی از دیدگاه اسلامی و نظر حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) و حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) باید از ویژگی‌هایی برخوردار باشد که امنیت ملی کشور را تأمین نماید، برای آحاد جامعه اسلامی رفاه و آسایش را فراهم کند، منافع ملی را تضمین کرده و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ضمن تعامل سازنده از اصول و بنیان‌های اساسی انقلاب اسلامی حفاظت و حراست نماید (ایزدی و دولت‌شاه، ۱۳۹۶: ۱۸۲). در این میان مجموعه‌ای از تهدیدات می‌تواند این اهداف اساسی را با خطر جدی روبه‌رو کند. هم‌اکنون هویت تهدیدات دگرگون شده است، به گونه‌ای که تهدیدات جنگ سایبری، جنگ نرم تا تهدیدات زیست محیطی و اقتصادی جزو تهدیداتی هستند که می‌توانند ارزشهای یک کشور را مورد هدف قرار دهند. این تهدیدات ممکن است ارزشهای حیاتی یک نظام را تغییر دهد و یا باعث سقوط آن نظام سیاسی شده و یا در امنیت ملی و تمامیت ارضی کشورها رخنه کند. نداشتن راهبرد امنیت ملی و عدم برخورداری از منابع قدرت و خلاء دکترین نظامی - دفاعی مشخص و مدون در شرایط ملی و بین‌المللی می‌تواند ارزش‌های یک ملت را در سطح ملی و بین‌المللی در مقابله با تهدیدات با خطر مواجه نماید. توسل به زور و جنگ از راهبردهایی است که در نظام بین‌الملل همواره به کار رفته است (دانش

آشتیانی و رستمی، ۱۳۹۵: ۷). جایگاه آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) به عنوان رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین هژمونی گفتمان اسلام گرا بر دیگر گفتمانهای عصر حاضر، بیانگر اهمیت تبیین گفتمان دفاعی در نگاه و حوزه اندیشگی راهبران آن است (صولتی سروندی و کلاتر مهرجردی، ۱۳۹۹: ۱۵۰)

۲- مهم‌ترین سرفصل‌های اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

۱-۲- اصالت صلح

دین مبین اسلام بر صلح به عنوان اصل اولیه تأکید کرده است. امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «صلحی را که خداوند تو و دشمنت را بدان فرا خوانده است و رضای خدا در آن است، از خود دور مکن. زیرا در صلح، حفظ قوای مسلح تو، آسایش فکر و فراخ بال تو، و امنیت سرزمینت نهفته است». (نامه امیر المومنین به مالک اشتر در نهج البلاغه)

۲-۲- جهاد

جهاد در لغت از «جهد» مشتق شده که به معنی غایت مشقت یا سخت کوشی است و در اصطلاح فقها چنین تعریف شده است: گذشتن از مال و جان در راه بالا بردن کلمه اسلام و بر پا داشتن شعائر ایمان.

مقام عظمای رهبری در تعریف جهاد می‌فرمایند:

«جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکی‌اند؛ یعنی در آن معنای جهد و کوشش وجود دارد؛ اما جهاد فقط این نیست؛ جهاد یعنی مبارزه؛ مبارزه‌ی در همین اصطلاح متعارف فارسی امروز ما». (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان ۱۳۸۶/۴/۲۵)

از منظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، در شرایط فعلی که شرایط صلح است، هدف از جهاد، تأمین امنیت و تضمین حاکمیت و استقلال و دفاع از ایران اسلامی است.

۳-۲- عزت و کرامت انسان

اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) مبتنی بر حفظ کرامت و عزت انسان‌هاست. چرا که به اعتقاد ایشان در اسلام، حفظ کرامت انسانی یکی از ارزش‌های والا به شمار می‌رود.

از این رو پیامبر صلی الله علیه وآله و امیرالمؤمنین علیه السلام همواره قبل از شروع جنگ، دشمنان را دعوت به صلح و گفتگو می‌کردند. در قرآن نیز دستورات صریحی مبنی بر پذیرش صلح و اولویت آن وجود دارد.

۴-۲- ارزش‌های انسانی

مقصود از ارزش‌های انسانی، عبارتست از اصول و قواعد اخلاقی که تمامی انسان‌ها با هر عقیده و مسلکی که دارند، در جنگ به آن پایبندند و می‌توان گفت این اصول، از فطرت الهی انسان‌ها ناشی می‌شود. اندیشه متعالی رهبر کشورمان نیز این اصول و قواعد را محترم می‌داند و در جنگ به آن پایبند است. با تمام تاکیداتی که رهبر معظم انقلاب بر صلح و ممنوعیت کامل هر نوع تجاوز و سلطه طلبی دارند، ایشان در جنگ، بر رعایت ارزش‌های انسانی و حفظ حرمت، انسان تاکید می‌کنند. مصونیت پیران، کودکان، زنان و مجانبین در جنگ از جمله نمونه‌های احترام به ارزش‌های انسانی است که به دستور فرمانده کل قوا، نیروهای مسلح، حق ندارد متعرض گروه‌های انسانی مذکور شود. فرمانده معظم کل قوا در جنگ و درگیری، نیروهای مسلح را اکیداً از انجام اعمال ضد انسانی و اسلامی مثله کردن دشمن (یعنی بریدن گوش و بینی و...) منع کرده است.

۲-۵- اعلان جنگ و پرهیز از پیش دستی

در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، جنگ‌های ناگهانی و بدون اعلام ممنوع است، زیرا ممکن است که دشمن پس از اعلام جنگ از سوی مسلمانان، خواسته‌های آنان را برآورد و احتمال وقوع جنگ منتفی گردد. اما اگر پس از سه روز از اعلام جنگ، اهداف مسلمانان محقق نشود و دشمن همچنان بر تجاوزگری و عناد خود اصرار ورزد، باید با او جنگید.

هیچ جا در قرآن نیامده است که اگر شما شروع به جنگ کردید، حمله کردید، حتماً پیروز خواهید شد؛ ممکن است پیروز بشوید، ممکن است شکست بخورید - همچنان که در جنگ‌های صدر اسلام، آنجائی که مسلمانان حمله کردند، گاهی شکست خوردند، گاهی هم پیروز شدند - اما وعده داده است که اگر دشمن ابتدا به حمله کرد، آن دشمن قطعاً شکست خواهد خورد. نباید بگوئید این مخصوص صدر اسلام است؛

۲-۶- رعایت حقوق غیر نظامیان

اندیشه‌های دفاعی رهبر معظم انقلاب مطابق با قواعد و زیر ساختارهای حقوق انسان دوستانه در جنگ می‌باشد. که در مقررات اسلامی نیز به صورت شفاف به این موارد اشاره شده است. حضرت آیت الله امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در این زمینه معتقدند جنگ در اسلام ابتدا به ساکن، نهی شده و تا حد امکان از آن جلوگیری به عمل آمده. حتی در صورت بروز جنگ اصول، قواعد و قوانینی در اسلام وضع شده که همه ملزم به اجرای آن هستند. از جمله مصونیت کودکان، ناتوانان، زنان و پیران و حتی آنها که در جنگ شرکت ندارند.

پیامبر اسلام می فرمودند: در جنگ غل و غش مورزید و مثله نکنید، غدر مکنید، پیر مرد فرتوت و کودک و زن را مکشید، و هرگز خیانت نورزید. مطابق اندیشه دفاعی مقام رهبری در جهاد با کافران، کشتن پیرمردان و پیرزنان و خردسالان و همه آنانی که از عرصه معرکه بر کنار هستند، جایز نیست و مسلمانان حق ندارند آنها را بکشند.

همچنین راهبان و کشیشان تا موقعی که آنان در عبادتگاه‌های خود مستقر هستند و در جنگ شرکت ندارند و نیز کشاورزان و صنعت‌گران و پیشه‌وران و سایر افرادی که دخالتی در جنگ ندارند، از آثار مخرب جنگ در امان هستند.

۲-۷- منع سلاح‌های غیر متعارف

اعمالی چون به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی از جمله سم (مسموم کردن دشمن) یا غرق نمودن و یا استفاده از آتش و سوزاندن دشمن، مغایر اندیشه‌های دفاعی حضرت امام خامنه‌ای^(مدظله) می‌باشد. چرا که هدف اساسی از به کارگیری سلاح جنگی، در نظر ایشان، تضعیف نیروی جنگی دشمن به منظور شکست دادن او می‌باشد، نه از بین بردن دشمن به هر روشی.

«ما بمب هسته‌ای لازم نداریم. ما هیچ آماج و هدفی نداریم که بتوانیم بمب هسته‌ای را در آن جا مصرف کنیم. ما به کارگیری سلاح هسته‌ای را با احکام اسلامی مخالف می‌دانیم؛ این را صریحاً بیان کرده‌ایم. ما تحمیل هزینه‌ی ساخت سلاح هسته‌ای و نگهداری آن را بر ملت خودمان یک تحمیل بیجا و بی‌مورد می‌دانیم. ساخت چنین سلاحی و نگهداری آن، هزینه‌های زیادی دارد و ما به هیچ‌وجه جایز نمی‌دانیم که این هزینه بر مردم تحمیل شود؛ ما احتیاجی نداریم. ما داعیه‌ی تسلط بر دنیا، مثل امریکایی‌ها، نداریم که بخواهیم سلطه‌ی زور بر دنیا داشته باشیم و احتیاج به بمب هسته‌ای داشته باشیم؛ بمب هسته‌ای و قدرت انفجاری ما، ایمان ماست؛ و جوانان و مردم ما که در دشوارترین میدان‌ها با کمال قدرت و با همه‌ی ایمان ایستاده‌اند و باز هم خواهند ایستاد.» (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی^(ره) ۱۳۸۵/۳/۱۴)

از اصول حقوق بشردوستانه در عقاید رهبر انقلاب، منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و مقید نمودن عملیات جنگی به اهداف نظامی است. همچنین عدم به کارگیری ابزار تخریب گسترده مانند غرق نمودن و یا سوزاندن دشمن است.

۲-۸- مدارا با اسرا

در اندیشه دفاعی مقام عظمای رهبری، اسیر جنگی دارای حقوقی است که همه به هر شکل،

موظف به رعایت آن می‌باشند. از جمله این حقوق، احترام به اسیر و رفتار محبت آمیز با او می‌باشد. زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مسلمانان را به خوش رفتاری با اسیران سفارش می‌کردند و رزمندگان اسلام نیز این مسائل را رعایت می‌کردند، تا جایی که برای آنهایی که لباس نداشتند، لباس تهیه می‌نمودند و غذای خود را به آنها می‌دادند و اگر دو نوع غذا می‌داشتند، غذای خوب تر و لذیذتر را به آنها می‌بخشیدند.^۱

از امام سجاد علیه السلام نقل است که «اگر دشمنی را اسیر کردی که از راه رفتن عاجز بود و تو نیز مرکبی برای حمل وی نداشتی، وی را آزاد کن و حق کشتن او را نداری، زیرا از حکم امام در مورد او بی‌اطلاعی.»

از دیگر اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در مقوله، رعایت حقوق اسیران جنگی، مداوای این نوع از مجروحان می‌باشد؛ زیرا این عمل مقتضای احسان و نیکی است و مسلمانان نیز به آن امر شده‌اند، به ویژه اگر اسیر، خود، مسلمان باشد.

۲-۹- حفظ محیط زیست (اکولوژیک)^۲

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در این خصوص معتقدند که قطع درختان یا تخریب پل‌ها و زیرساخت اقتصادی، جز در صورت ضرورت فزاینده جایز نمی‌باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام جنگ می‌فرمودند: «با نام خدا و برای رضای خدا و برطبق روش رسول خدا حرکت کنید، غل و غش نکنید و مثله و غدر را پیشه کار خود نسازید و پیر مرد فانی و کودک و زن را مکشید و هیچ درختی را قطع نکنید، مگر اینکه مجبور به قطع آن شوید» در حدیث دیگری ایشان می‌فرمایند: «هیچ نحلی (درخت خرما) را آتش نزنید و آن را در آب غرق نکنید و هیچ درخت ثمردهی را قطع نکنید و هیچ زراعتی را آتش نزنید، زیرا شاید شما به آن نیازمند شوید و هیچ چهارپایی را که گوشت آن قابل خوردن باشد، از بین نبرید مگر آنکه برای خوردن به آن نیاز داشته باشید.»

۲-۱۰- در راه خدا بودن

^۱ . استوصو بالاساری خیرا (زحیلی، آثار الحرب، ۴۰۴/ ابن هشام ۲/۲۵۶).

^۲ - Ecologic

دفاع در دیدگاه ایشان یعنی جهاد. به عنوان یک وظیفه و تکلیف الهی که جایگاهی بلند در اسلام دارد و سهمی قابل توجه از آیات الاحکام را به خود اختصاص داده است. جهاد، در لغت به معنای توان و سختی و در اصطلاح به معنای «به کار گرفتن نهایت تلاش و توان در مقابله با دشمن» است.

در قرآن کریم، واژه «جهاد» و نیز واژه «قتال»، با قید «فی سبیل الله» مقید و بدین وسیله از سایر جنگ‌ها متمایز شده است. قید «فی سبیل الله» نشانگر آن است که روح و شالوده جنگ و جهاد در اسلام، در راه خدا بودن آن است. از این رو، جنگی که فاقد این ویژگی باشد، از نظر اسلام فاقد ارزش و اعتبار است.

در راه خدا بودن جهاد بدین معناست که جنگ باید برای تحقق اهدافی به کار گرفته شود که خداوند متعال معین فرموده است. همین حقیقت، رمز تقدس و ارزشمندی جهاد و دفاع در اسلام است. در راه خدا جنگیدن، اساسی‌ترین ویژگی جنگ در نظر ایشان است که صف مؤمنان مجاهد را از صف طاغوتیان جنگجو جدا می‌کند.

۲-۱۱- عادلانه بودن

در پنداره دفاعی رهبر معظم انقلاب، جنگ، آن گاه که رنگ تجاوز به خود گیرد، پدیده‌ای شر و نامیمون و بزرگ‌ترین بلایی است که جوامع انسانی را تهدید و نابود کرده است. بیشتر جنگ‌هایی که تاکنون در جهان رخ داده است، به ویژه دو جنگ جهانی اول و دوم که بیشترین خسارت جانی و مالی، روحی روانی و اجتماعی را به وجود آورده‌اند، چیزی جز تجاوز و ستمگری نبوده‌اند. در این جنگ‌ها ظهور و تبلور تجاوز در چهره جنگ، بشریت را از جنگ و خونریزی متفر ساخته است. در این میان، جنگ‌هایی تنها به عنوان عامل دفع تجاوز و مقابله با تجاوزگران به وقوع پیوسته است. از این رو، دارای قداست و ارزش گشته‌اند.

همین دو چهره جنگ، بحث جنگ تجاوزگرانه یا ستمگرانه و جنگ عادلانه را مطرح کرده است. جنگ عادلانه، جنگی است که اولاً؛ در مقام دفع تجاوز است و ماهیتی دفاعی دارد و ثانیاً؛ از هر نوع ستمگری، به کارگیری شیوه‌های غیراسلامی، کشتن غیرنظامیان و شکنجه و آزار اسرای دشمن به دور است.

جنگ در منظر فرمانده معظم کل قوا، دارای این دو ویژگی است و به معنای واقعی کلمه، عادلانه است. به سخن دیگر، دو ویژگی دفاعی بودن و انسانی بودن جنگ در اسلام، از آن جنگی

عادلانه ساخته است.

۲-۱۲- دفاعی بودن

دفاع در دیدگاه رهبر معظم انقلاب، دارای دو مفهوم محدود و گسترده است. مفهوم محدود آن، به معنای دفاع در برابر تجاوز نظامی دشمن است. دفاع به این معنا، هم ردیف جهاد ابتدایی است. اما مفهوم گسترده‌اش، دفاع در برابر هرگونه تجاوز نظامی - است که برای دفع آن باید به هجوم نظامی دست زد. آنجا که ایشان می‌فرمایند «جهاد، دارای ماهیتی دفاعی است»، «جهاد، درحقیقت دفاع است»، دفاع به این معنا، مورد نظر می‌باشد.

معنا و مفاد دفاعی بودن جهاد ابتدایی در نظر معظم له این است که روح دفاع در پیکر جنگ و جهاد ابتدایی جاری است و در هر موردی که جهاد ابتدایی توصیه و واجب شده است، بدون تردید حقی مورد تجاوز قرار گرفته است و چنین جهادی در حقیقت برای دفاع از آن حق است. بی تردید، ملاک تقدس و مشروعیت دفاع، از حق دفاع کردن است و تفاوتی نیست که حق، از آن یک فرد باشد، به یک ملت تعلق داشته باشد و یا به انسانیت مربوط شود. بلکه به اعتقاد حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، دفاع از حقوق انسانی، مقدس‌تر و ارزشمندتر است. ایشان آزادی را یکی از حقوق انسانی می‌دانند و آن را از مقدسات بشری به حساب می‌آورند. آزادی مربوط به یک فرد و یک ملت نیست.

۲-۱۳- انسانی بودن

از دیگر ویژگی‌های مهم جنگ در اندیشه دفاعی مرجع عالیقدر شیعیان حضرت آیت الله امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، رعایت حقوق انسانی و توجه وافر به مسائل اخلاقی، است. ایشان در اندیشه متعالی خویش، میان خشونت پدیده جنگ و لطافت عواطف انسانی و ملایمت اصول اخلاقی قهر و مهر و صلابت و ملایمت، به زیبایی الفت برقرار نموده است. خورشید اسلام با نور بینش و آگاهی مردم را از حسیض پستی بر قله انسانیت نشاناند. اخلاق آنان را دگرگون و متعالی ساخت و اصول اخلاقی و حقوق انسانی فراموش شده را به متن زندگی‌شان بازگرداند. جنگ نیز که در آن، بیش از همه صحنه‌های زندگی، حقوق انسانی پایمال، و اخلاق پسندیده فراموش می‌گشت، از این دگرگونی بی بهره نماند. از آن پس، کشتن غیرنظامیان و افراد ناتوان و خردسال، مثله کردن کشته‌های دشمن، خیانت و پیمان شکنی و دهها عمل ضد اخلاقی دیگر از صحنه جنگ رخت بریست که نمونه‌های تجلی کرامت اخلاقی در صحنه‌های جهاد اسلامی در جنگ تحمیلی بی شمار است. از امام علی (ع) نقل است که فرمودند: هرگاه بر دشمن

دست یافتی، از او درگذر و گذشت از او را شکر و سپاس توانایی بر او قرار ده. فرمانده معظم کل قوا در جنگ و درگیری، نیروهای مسلح را اکیداً از انجام اعمال ضدانسانی و اسلامی مثل مثله کردن دشمن (یعنی بریدن گوش و بینی و...) منع کرده است.

زیرا پیامبر (ص) همواره قبل از اعزام نیرو به جهاد، این سفارش را به مسلمانان می‌کردند. به همین علت مقام عظمای ولایت هرگونه دست زدن به اعمال غیر اسلامی را در نیروهای مسلح ممنوع اعلام کرده‌اند.

حضرت علی (ع) فرمودند؛ مبادا او را مثله و اعضای بدنش را قطع کنید! «فانی سمعت رسول‌الله، صلی الله علیه و آله و سلم، يقول: ایاکم و المثله ولو بالکلب العقور». از رسول خدا شنیدم که فرمود: حتی سگ هار را هم تگه‌پاره و مثله نکنید؛ چه برسد به انسان. (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۲۱ رمضان ۱۳۷۲/۱۲/۲۱)

۲-۱۴- تاکید بر معنویت در جنگ

نمی‌توانند به جمهوری اسلامی، ضربه‌ی کاری وارد کنند. سرش، همین ایمان، توجّه و پابندی مردم به دین، حضور معنویت در زندگی مردم و این احساس است که نظام جامعه به سمت عدالت حرکت می‌کند.

«این کشور، به برکت رو آوردن به معنویت، در دنیا عزیز شد. این ملت، به برکت تمسک به معنویت و اسلام، در سطح عالم اقتدار پیدا کرد. امروز قدرت‌های بزرگ جهانی که هر گوشه دنیا را متعلق به خود می‌دانند و در همه جا اعمال نظر می‌کنند؛ به دولتها دستور می‌دهند و نظرات خودشان را به پادشاهان و رؤسای جمهور املا می‌کنند، جرأت نمی‌کنند نسبت به دولت و ملت ایران، یک کلمه اعمال رأی و نظر کنند؛ چون می‌دانند که به برکت روی آوردن این ملت به اسلام و قرآن و ارزش‌های اسلامی، رأی و نظر آنها مردود خواهد شد. بزرگ‌ترین وظیفه نیروی انتظامی، حفظ ارزش‌هاست. قدرت و عزت و رحمت، در چارچوب حفظ ارزش‌های اسلامی و قرآنی است.» (بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی ۱۳۷۴/۴/۲۱)

در این میان گام دوم انقلاب اسلامی در شرایطی آغاز شده است که دنیای پیرامونی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران آکنده از آشوبها و بحرانهای مختلف است و آینده پژوهان حوزه امنیت دفاعی نیز درباره‌ی وخیم‌تر شدن اوضاع هشدار می‌دهند. در طول بیش از چهل سال گذشته، سیاستگذاران و مدیران امنیت ملی کشور توانسته‌اند از سد بحرانهای مختلف بگذرند و کشور را به

کشتی ثباتی در منطقه ناآرام و متشنج خاورمیانه بدل کنند (مهیدیان و ترکاشوند، ۱۳۹۹: ۳).

۳- شکل جدید جنگ

توجه به جنبه‌های نرم افزاری قدرت در کنار مؤلفه‌های سخت افزاری آن از جمله در حوزه نظامی و امنیتی، پس از دوران جنگ سرد، مورد توجه پژوهشگران روابط بین الملل قرار گرفت. در این راستا بسیاری از اندیشمندان این حوزه، ناکامی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق را نتیجه بی‌اعتنایی به مقوله‌های قدرت نرم می‌دانستند؛ بنابراین دولتها و نظامهای سیاسی، بر این جنبه از قدرت نیز تمرکز کردند و کوشیدند میزان و سطح قدرت نرم خود را گسترش دهند (محقق نیا، ۱۴۰۰: ۱۲۲). امروزه، در عصری زندگی می‌کنیم که کیفیت و ماهیت جنگ و تهدید به شدت تغییر کرده است. در گذشته تا قبل از نیمه دوم قرن ۲۰ م تهدیدات دشمن، تهدید سخت، جنگ فیزیکی و حمله مستقیم به کشورها بوده است. لذا در مقابل جنگ سخت با ابزارهای نظامی، دفاع نظامی سخت و استفاده از نیروی انسانی زیاد کاربرد داشته است. هرچند در کنار جنگ سخت همواره جنگ روانی به عنوان یک عامل مهم در پیروزی نقش داشته است. از نیمه دوم قرن ۲۰ م تمرکز دشمن از جنگ سخت به جنگ نرم و هوشمند تغییر ماهیت داده است. با توجه به پیشرفت‌های علمی از جمله ارتباطات و رسانه، جنگ نرم و تهاجم فرهنگی در اولویت بالاتری قرار گرفته است. در این جنگ هدف تسخیر ذهن‌ها، اراده‌ها و تغییر در رفتارها می‌باشد. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «در دنیا یک جنگ عظیم و یک چالش بزرگ برپاست، جنگ توپ و تفنگ نیست، اما جنگ اراده‌ها، عزم‌ها، سیاست‌ها و تدبیرها است» (بیانات مورخه ۱۳۸۶/۲/۳۱) (لطفی مرزناکی و دارابی، ۱۳۹۷). «بسیاری از سیاسیون و جامعه شناس‌های معتبر دنیا معتقدند که قدرت نرم آمریکا فرسوده شده است، در حال از بین رفتن است. قدرت نرم این است که یک دولتی بتواند خواسته و عقیده خود را به اطراف بقبولاند و آنها را اقناع کند. این قدرت در آمریکا امروز رو به ضعف و فرسودگی کامل است در زمینه‌های مختلف». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان ۱۳۹۷/۸/۱۲)

۴- افول قدرت آمریکا

ساموئل هانتینگتون در سال ۱۹۶۸ ایالات متحده آمریکا را یکی از مصادیق آشکار یک نظام سیاسی به خوبی تحول یافته و دارای یکپارچگی تلقی کرد و شدت و حدت این یکپارچگی آن چنان در نظر گرفته می‌شد که آمریکایی‌ها را به این باور می‌رساند که وحدت امر «خیر ممکن» است یا همه چیزهای خوب می‌تواند الزاماً با هم اتفاق بیفتد؛ چراکه ایالات متحده در سراسر تاریخ خود از فراوانی اقتصادی، کامیابی اجتماعی و استواری سیاسی دائمی برخوردار بوده است (خسرو شاهین، ۱۳۹۹: ۱۲). اما هانتینگتون بعدها نظرات خود را تعدیل کرده و می‌گوید؛ هیچ جامعه‌ای ابدی نیست. همان گونه که روسو گفته است: اگر رم و اسپارتا نابود شده‌اند، پس کدام کشور می‌تواند امید به بقای همیشگی داشته باشد؟ حتی جوامعی که از برخی جهات بسیار موفق هستند، از سوی نیروهای خشن و بی رحم خارجی در معرض خطر تجزیه و نابودی داخلی قرار دارند. در نهایت ایالات متحده آمریکا به سرنوشت اسپارتا، رم و سایر جوامع بشری دچار خواهد شد (متقی، ۱۳۸۷: ۱۰۰). پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ ایالات متحده به عنوان تنها هژمون نظام بین الملل شناخته شد. ایالات متحده با اعلام نظم نوین بین المللی در صدد بود تا به ترویج دموکراسی و لیبرالیسم در جهان بپردازد. در واقع، سیاست اعلامی ایالات متحده، ترویج دموکراسی و مبارزه با خشونت و تروریسم در سراسر جهان بود، ولی آنچه که در عمل رخ داده این است که در هر منطقه یا کشوری که ایالات متحده به بهانه ترویج دموکراسی و مبارزه با تروریسم وارد شده است نه تنها سیاستهای اعلامی خود را دنبال نکرده است؛ بلکه در مواردی کاملاً عکس این سیاستها عمل کرده است (بهادرخانی، ۱۴۰۰: ۳۱۲).

به همان اندازه که ظهور یک ابرقدرت و قدرت هژمون یک روند طبیعی است زوال و افول ابرقدرت‌ها هم طبیعی است. اما اینکه این افول چرا و چگونه اتفاق می‌افتد جای بحث دارد. برخی از نظریه پردازان فرایندهایی برای ظهور و سقوط ابرقدرت‌ها در نظر می‌گیرند. از آن جمله کندی یکی از نظریه پردازان ظهور و افول قدرت‌های هژمون و بزرگ بر این باور است که یکی از دلایل سقوط امپراتوری‌ها، مخارج زیاد اقتصادی و نظامی آنهاست که همزمان با افزایش حوزه

¹- Samuel P. Huntington

²- Democracy

^۳ Liberalism

قلمروشان به کشورهای بزرگ تحمیل می‌شود. در واقع وی گسترش خارج از توان امپریالیستی این قدرت‌ها را عامل سقوط آن‌ها می‌داند (پیرانی و رضوی، ۱۳۹۹: ۸۲). واقعیت آن است که آمریکا از دشواریهای زیادی در عرصه خارجی و داخلی رنج می‌برد که زمینه ساز افول قدرت نرم این بازیگر شده است. برخی این مهم را ناشی از عوامل درونزا می‌دانند که ریشه در بحرانهای داخلی آمریکا و تلاش هیئت حاکمه برای معناسازی دارد. عوامل درونزا بدان معناست که بازیگر سلطه جو از نظر داخلی دچار اشکالها و ایرادهای اساسی می‌شود و مبنای اصولی و زیربنایی خود را از دست می‌دهد. این امر می‌تواند شامل تزلزل در بعد سیاسی، مشروعیتی، فرهنگی و حتی اجتماعی و هویتی باشد. در این صورت، قدرت هژمون به دلیل از دست دادن وزن بین‌المللی به معنای قدرت داخلی مقوم‌ساز، از توان اعمال نقش مطلوب و مسلط باز می‌ماند. عده‌ای دیگر بر این باورند که افول قدرت آمریکا نشأت گرفته از عوامل برونزا به ویژه سیاستهای تهاجمی و مداخله‌های لجام گسیخته آمریکا در مناطق مختلف جهان است که این مهم موجب گرافتادان آمریکا در باتلاق سرزمینهایی شده که در آنها مداخله نظامی انجام داده است. عوامل برونزا موجب می‌شود نظام سلطه از سوی حلقه‌های وابسته دور و نزدیک تهدید شده و با تقابل‌های سخت و نرم روبه رو شود که در این صورت نیز توان اعمال سلطه آن محدود خواهد شد (دهشیری، ۱۳۹۷: ۸).

اگر چه با پایان یافتن جنگ سرد مباحثی راجع به ابر قدرتی آمریکا مطرح شد، اما با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، حمله به عراق و افغانستان، گسترش موج آمریکا ستیزی در خاورمیانه و بحران در نظام اقتصادی، زرمه‌های افول قدرت این کشور در مجامع علمی جهان آغاز شد (آدمی، قرشی، ۱۳۹۴: ۲۱۳). ایالات متحده از دهه ۱۹۷۰ از جایگاه یک قدرت جهانی فاصله گرفت و واکنش آن به حملات تروریستی صرفاً به آن شتاب داده است (والرستین، ۱۳۹۹: ۲۹). به عقیده صاحب نظران عوامل اقتصادی، سیاسی و نظامی که باعث قدرتمند شدن آمریکا شده بودند، زمینه‌های افول آن را فراهم می‌آورند. موفقیت ایالات متحده آمریکا به عنوان قدرت سیطره مند دوره‌ی پس از جنگ، شرایط افول سیطره مند این کشور را به بار آورد. این فرایند در چهار نماد پدیدار می‌شود: جنگ ویتنام، انقلاب‌های ۱۹۶۸، سقوط دیوار برلین و حملات تروریستی سپتامبر ۲۰۰۱. هر نماد روی نماد پیشین ساخته شده و به موقعیتی انجامیده که اکنون ایالات متحده - ابرقدرت تنهایی که فاقد قدرت واقعی است، رهبری جهانی که هیچ کس از آن پیروی نمی‌کند و کمتر کسی به آن اعتنا می‌نماید و کشوری که به طرز خطرناکی در حال گریز از آشفتگی جهانی

است که نمی‌تواند بر آن تسلطی داشته باشد - خود را در دام آن می‌بیند (والرستین، ۱۳۹۹: ۳۳). در این حوزه جوزف نای قدرت نرم آمریکا را رو به افول می‌داند. ویلیام نورمن گریچ معتقد است استانداردهای موجود در کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه در این کشور کاهش یافته است و استیو کوهن اعتقاد دارد افول آمریکا در کم رنگ شدن ارزشها ریشه دارد. والراشتاین آمریکا را در مسیر افول می‌داند. نوام چامسکی آمریکا را یک امپراطوری در حال سقوط می‌داند. آلفرد مک کوی سلطه جهانی واشنگتن را در حال زوال می‌داند. شورای ملی اطلاعات آمریکا در گزارشی، هژمونی آمریکا را تا سال ۲۰۳۰ می‌داند (خدایپرست و اندرزیان، ۱۳۹۷: ۱۹۵). آمریکا به عنوان قدرت اول ثروت و علم و فناوری و نظامی دنیا، چندین دهه با وجهه زندگی کرد؛ که همین وجهه موجب شد نفوذ پیدا کند. در دهه‌های اول نیمه‌ی دوم قرن بیستم این وجهه در اوج بود. امروز این وجهه به طور کامل از بین رفته است؛ یعنی آمریکا به عنوان یک متهم در دنیا مطرح است. دولت آمریکا در هیچ کشوری، میان هیچ ملتی، یک وجهه عمومی ندارد. مرگ بر آمریکا دیگر جزو شعارهای اختصاصی ملت ایران نیست؛ در بسیاری از کشورها گفته می‌شود (سیاهپوش، ۱۳۹۸: ۷۴۸). «مهم‌ترین چیزی که این عامل - عامل اقتدار نظامی و سیاسی - را به چالش کشید، برپایی نظام جمهوری اسلامی بود. در یکی از مناطق به شدت تحت نفوذ آمریکا، یک حرکت عظیم انقلابی با این ابعاد به وجود می‌آید». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای جامعه المصطفی العالمیه ۱۳۸۸/۱۱/۱۷) از سوی دیگر انقلاب اسلامی، آرامش نسبی و آسودگی خاطر اسرائیل را برهم زده و باعث کاهش قابل توجه نقش اسرائیل و در نتیجه تنزل جایگاه سیاست خارجه آمریکا در منطقه غرب آسیا شده است. رژیم صهیونیستی که مورد حمایت همه جانبه آمریکا است امروز در ضعیف‌ترین وضعیت خود است و همه اینها بخشی از تأثیر انکار ناپذیر انقلاب اسلامی در شکل‌گیری، تثبیت و تقویت جریان مقاومت در منطقه غرب آسیا است که می‌تواند یکی از نشانه‌های تأثیر انقلاب اسلامی بر افول هژمونی آمریکا باشد (میرزایی، ۱۴۰۰: ۶). امروزه مهمترین مشخصه دهه دوم قرن بیست و یکم

1- Joseph Nye

2- Steve Cohen

3- Immanuel Maurice Wallerstein

4- Noam Chomsky

5- Alfred W. McCoy

6- National Intelligence Council

کاهش تدریجی قدرت نسبی ایالات متحده است. بیشتر عوامل قدرت جهانی آمریکا در حال دگرگونی هستند و به سویی می‌روند که افول هژمونی آمریکا را فراهم کنند. از اینرو برای مدیریت بی ثباتی ناشی از افول هژمونی آمریکا و لزوم مواجهه با پیچیدگی‌های جهانی، ایجاد حاکمیت منطقه‌ای ضرورت می‌یابد (بیات و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۹۹).

مجموعه‌ای از اشتباهات راهبردی آمریکایی‌ها موجب شده تا چهره آنها در دنیا مانند سابق نباشد. زمانی آمریکایی‌ها در نزد بخشی از جهان کنونی چهره مطلوب و مقتدری داشتند، ولی امروز نزد متحدان خود نیز این تصویر را ندارند. این وضعیت موجب شده تا تحلیل‌گران و تئوری پردازان آمریکایی نگران افول آمریکا باشند و صحبت از جهان فرا آمریکایی کنند، یعنی جهانی که تأثیر آمریکایی‌ها به حداقل رسیده است (جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۴). دولت آمریکا در طول بیش از چهل سال گذشته تلاش روز افزونی برای به زانو در آوردن و تغییر رفتار انقلاب اسلامی یا حتی براندازی (نظامی یا نرم) آن به کار برده است. اما علی‌رغم چالش‌های آمریکا علیه ایران، دولت آمریکا در رسیدن به اهداف خود ناکام مانده است. در این زمینه امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) با اشاره به بحث افول قدرت آمریکا، قرائن این زوال قدرت را در دو عرصه نرم و سخت تبیین نمودند (خداپرست و اندرزبان، ۱۳۹۷: ۱۸۶). به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران آمریکایی، تعامل پایدار به احتمال زیاد، بیش از شیوه‌هایی همچون افزایش تنش تا سرحد جنگ، یا تداوم تلاشها برای تهدید، ارعاب و اجبار جمهوری اسلامی ایران به همراهی، در تقویت امنیت ملی آمریکا مؤثر خواهد بود. آمریکا باید از به کارگیری شیوه‌های تغییر حکومت در ایران دست بکشد و به مفاد توافق نامه ۱۹۸۱ الجزایر، مبنی بر عدم مداخله سیاسی و نظامی در امور داخلی ایران پایبند باشد (ایزدی، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

۵- شاخص‌های تاثیرگذار بر افول قدرت آمریکا

تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی در برگیرنده اهداف و ارزش‌های مسلط بر نظام حاکم است. سیاست خارجی هر کشوری در اهداف و ارزشهای خاصی نهفته است. سیاست خارجی از پیچیده‌ترین، گسترده‌ترین و عمیق‌ترین موضوعات می‌باشد که تصمیم‌گیری در این حوزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اصول و اساس آن در ابعاد مختلف در متن قانون اساسی و بیانات امامین انقلاب مطرح گردیده است. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به استکبار ستیزی، حمایت از مستضعفین، صدور انقلاب، وحدت جهان اسلام، حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان

جهان، اصل نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی، اصل رابطه با دولتها و ملتها، حفظ کيان اسلامی و حمايت از جنبش‌های آزادی بخش اشاره نمود. در این میان و در این پژوهش، ما به سه شاخص صدور انقلاب، مقاومت و استکبارستیزی به عنوان شاخص‌های کلیدی در تأثیر گذاری بین المللی و منطقه‌ای، می‌پردازیم. بر هیچ کس پوشیده نیست که منافع ملی اصولی‌ترین منافع یک ملت را تشکیل می‌دهد، مجموعه آنچه که بین افراد یک ملت مشترک است، آنان را وادار به دفاع از منافع ملی در برابر بیگانگان می‌کند و با ایجاد هویت و فرهنگ ملی، مانع از نفوذ فرهنگ بیگانه می‌شود. منافع ملی همه کسانی که در سرزمین ایران به دنیا آمده‌اند و با فرهنگ ایرانی تربیت یافته‌اند را در بر می‌گیرد و در درجه اول برای حفظ بقاء و تداوم زندگی مادی و معنوی است، بقاء و تداوم مزبور نیز به عوامل داخلی و خارجی ارتباط دارد (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

۵-۱- صدور انقلاب

به تاکید صاحب نظران شاید بتوان یکی از دلایل افول قدرت آمریکا در منطقه و سطح بین الملل را تاکید رهبران انقلاب اسلامی، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، بر صدور ارزشها و اصول بنیادین انقلاب به خارج از مرزهای سرزمینی و دیگر کشورها دانست. از جمله موارد اثر گذار، دلایلی چند را می‌توان در این خصوص بر شمرد. دینی بودن انقلاب یکی از دلایل و علل صدور انقلاب بود. اسلام به عنوان پیشران انقلاب اسلامی از ظرفیت بالایی برای به وحدت رساندن اقشار مردم برخوردار بود. می‌توان از احیاء اندیشه اسلامی به عنوان دیگر علت صدور انقلاب نام برد. به نحوی که باعث احیاء افکار و اندیشه‌های اسلامی در دنیا گردید. یکی از خصوصیات انقلاب که باعث گسترش آن در دنیا شد، مردمی بودن آن بود. از خصوصیات بارز دیگر می‌توان به استکبار ستیزی، تکیه بر امت واحده اسلامی، حمايت از مستضعفین، صداقت و تقوای رهبران انقلاب نام برد (محمدی، ۱۳۹۹: ۵۷-۳۵) که همگی باعث ایجاد نوعی پذیرش غیر دستوری از جانب ملتهای دیگر کشور گردید. از جمله ویژگی‌هایی که هر انقلاب سیاسی- اجتماعی با خود می‌آورد موضوع صدور ارزشهای انقلابی است که ممکن است در دو شکل نرم و سخت صورت بگیرد. یقیناً آنچه به عنوان صدور انقلاب در ایران اسلامی مطرح می‌باشد، صدور آن نه به صورت سخت افزارانه و زورمندانه، بلکه به صورت نرم می‌باشد که می‌توان آن را به عنوان یکی از شاخص‌های سیاست در جمهوری اسلامی نام برد. همانطور که در قانون اساسی نیز به آن اشاره شده است: «به امید اینکه در بنای جامعه نمونه اسلامی که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق گردد». و

یا در بخش دیگری اینگونه ابراز می‌دارد: «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه‌ی بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه‌ی مردم جهان می‌شناسد». (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) نظر امام خمینی (رحمه‌الله علیه) در مورد صدور انقلاب نیز متفاوت با برداشت‌های اشتباه از این واژه در داخل و خارج از کشور می‌باشد. ایشان می‌فرمایند: «اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی غلط را از آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد، در همه ملت‌ها و دولت‌ها بشود». (صحیفه نور، جلد ۱۳: ۱۲۷) «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است». (صحیفه نور، جلد ۱۲: ۱۴۸) امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز در این باب نظرات دقیق و مبنایی دارند. ایشان می‌فرمایند: «هدف این نیست که ما انقلاب را به شکل متعارف در عرف سیاسی و قاموس سیاسی به این کشور و آن کشور صادر کنیم؛ انقلاب چیزی نیست که با ابزارهای سیاسی بشود آن را صادر کرد یا با ابزارهای نظامی و امنیتی بشود آن را پیش برد. مسئله جمهوری اسلامی، مسئله بازتولید معارف والای اسلامی است، تا مسلمانها احساس هویت کنند، احساس شخصیت اسلامی کنند». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۱۳۸۹/۸/۳) یا در جای دیگر در خصوص علت دشمنی دشمنان، آن را به خاطر بحث صدور انقلاب بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «دشمنی آنها با شما و امام و انقلاب اسلامی و نظام اسلامی به خاطر این است که می‌دانند چشمه‌ای از اینجا جوشش کرده و به همه‌ی دنیای اسلام سرریز شده است». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۸۲/۲/۱۰)

پیام انقلاب و رهبران آن یک پیام جهانی است و در وهله اول مخاطب امام در سخن و ایده سیاسی خود، بشریت است؛ نه فقط ملت ایران. ملت ایران این پیام را به گوش جان شنید، پایش ایستاد، برایش مبارزه کرد و توانست عزت و استقلال خود را به دست آورد؛ اما مخاطب این پیام همه‌ی بشریت است (سیاهپوش، ۱۳۹۸: ۵۸۶). انقلاب اسلامی برای مسلمانها الگو شد؛ اولاً با پیدایش خود بعد با تشکیل موفق نظام جمهوری اسلامی که توانست یک نظامی را با یک قانون اساسی کامل ارائه کند و آن را به کرسی بنشاند و تحقق ببخشد. ماندگاری نظام از دیگر مواردی است که مهم می‌باشد. استحکام و تقویت هر چه بیشتر این نظام که نظام جمهوری اسلامی امروز از لحاظ عمق و ریشه قابل مقایسه با قبل نیست و پیشرفتهای نظام در حوزه‌های علمی، فناوری و

صنعتی، اجتماعی و دیگر عرصه‌ها، قابل توجه می‌باشد. نهضتی را که امام خمینی (رحمه‌الله علیه) آغاز کرد، تأثیر جهانی داشت و بسیاری از جوامع اسلامی را در مسیر هویت اسلامی خویش قرار داد. ایشان در خصوص صدور انقلاب می‌فرمایند: «ما باید سعی کنیم انقلابمان را صادر کنیم. تمام ابرقدرتها و قدرت‌های دیگر در صدد نابودی ما هستند، اگر ما در یک محیط بسته بمانیم عاقبت با شکست مواجه خواهیم شد.» (صحیفه امام، جلد ۱۲: ۲۰۲)

۵-۲- استکبار ستیزی

استضعاف و استکبار از جمله واژه‌ها و مفاهیم قرآنی هستند که برای اولین بار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وارد ادبیات سیاسی در ایران گردید (محمدی، ۱۳۹۹: ۵۱). این واژه هم در قانون اساسی کشور و هم در کلام امامین انقلاب بروز و ظهور بسیاری داشته است. در قانون اساسی سعادت انسانها از جمله آرمانهای انقلاب، که بر حمایت از مبارزه‌ی حق طلبانه‌ی مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان مبتنی است، برشمرده شده است. استکبار و استکبار ستیزی شاید یکی از پرکاربردترین واژگان در سخنان حضرت امام محسوب می‌گردد. «مستکبرین منحصر نیستند به سلاطین، منحصر نیستند به روسای جمهور، منحصر نیستند به دولتهای ستمگر. مستکبرین یک معنای اعمی دارد؛ یک مصداقش همان اجانب هستند که تمام ملتها را ضعیف می‌شمرند و مورد تجاوز و تعدی قرار می‌دهند؛ یک مورد هم همین دولتهای جائز، سلاطین ستمگر که ملتهای خودشان را ضعیف می‌شمرند و به آنها تعدی می‌کنند، دست تعدی به ملتها دراز می‌کنند. چنانچه در این پنجاه و چند سال شما مبتلا بودید و ما هم مبتلا بودیم و همه ملت مبتلا بودند. ملت را ضعیف می‌شمرند و ملت را از روی استکبار نظر می‌کردند و به ملت تعدی می‌کردند و تجاوز می‌کردند.» (صحیفه نور، جلد ۷: ۴۸۸) همچنین در کلام مقام معظم رهبری نیز به کرات می‌توان این واژه را یافت. «مسئله‌ی ستیزه‌ی با استکبار و روز ملی استکبارستیزی یک مسئله‌ی اساسی است، یک مسئله‌ی برخاسته‌ی از تحلیل درست و حرف درست است. و شما جوانهای عزیز و میلیونها جوانی که در سرتاسر کشور هستید، مثل شما دانشجو و دانش‌آموزند، باید تحلیل درستی داشته باشید از این قضایا. جوانِ اوّل انقلاب احتیاج به تحلیل نداشت و تحلیل نمی‌خواست، همه‌چیز برایش روشن بود، چون همه‌چیز را خودش به چشم خود دیده بود؛ حضور آمریکایی‌ها را، قساوت آمریکایی‌ها را، ساواک دست‌آموز

۱- اصل ۱۵۴ قانون اساسی

آمریکایی‌ها را، اما امروز شما باید فکر کنید، تحلیل کنید، دقت کنید؛ صرف [گفتن با] زبان نباشد؛ معلوم باشد چرا ملت ایران با استکبار مخالف است؛ چرا با رویکردهای ایالات متحده‌ی آمریکا مخالف است؛ این بیزاری ناشی از چیست؛ این را جوان امروز بایستی بدرستی و با تحقیق بفهمد». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان ۱۳۹۲/۸/۱۲) استکبار از مفاهیم بسیار مهم و پرتکرار در کلام رهبری است. ایشان با توجه به اهمیت این موضوع در سالهای مختلف و با توجه به غفلت از آن در برخی مواقع، این مفهوم را برجسته کرده‌اند. آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) هم در امتداد نظرات حضرت امام، بدون هیچ گونه تردید و یا تغییری این سیاست را دنبال کرده است. ایشان مبارزه مستمر با استکبار را جزء مسائل برخاسته از تحلیل صحیح می‌دانند. «آنچه که مهم است فراموش نشود، استکبارستیزی؛ ایستادگی قاطع در مقابل حرکت کفر و نفاق - نه فقط در کشور، بلکه در سطح جهان - مرزبندی شفاف با دشمنان انقلاب و دشمنان دین؛ این‌ها شاخص است. اگر کسی مرزبندی شفاف نمی‌کند، قدر خودش را کاهش می‌دهد؛ اگر گرایش پیدا می‌کند، از دایره خارج می‌شود. این‌ها آن مبانی و آن خطوط اصلی است. حرکت انقلاب، حرکت روشنی است، حرکت رو به جلویی است و این حرکت این شاء الله ادامه پیدا خواهد کرد». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها ۱۳۹۸/۴/۲) ایشان همچنین استکبارستیزی را به عنوان یکی از اهداف و شاخص‌های اصلی انقلاب مطرح می‌کنند. ایشان در مورد توافق برجام و مذاکرات هسته‌ای با اشاره به جمله گوهریار امام که آمریکا شیطان بزرگ است به تشریح حرکت آمریکا می‌پردازند و اثبات می‌کنند که حرکت آمریکا شبیه حرکت شیطان است. «این تجربه (برجام) به ما نشان داد که ما در هیچ مسئله‌ای نمی‌توانیم (با آمریکا) مثل یک طرف مورد اعتماد بنشینیم صحبت کنیم». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۵/۵/۱۱) با توجه به مطالبی که در حوزه استکبارستیزی مطرح شد روشن است که خط اصیل انقلاب در حوزه سیاست خارجی که متجلی در قانون اساسی و کلام و سیره امام و رهبری است، به استکبارستیزی جایگاه ویژه‌ای داده است (محمدی، ۱۳۹۹: ۶۲).

۳-۵- اندیشه مقاومت

قدرت فضاسازی انقلاب اسلامی در عرصه اندیشه و رفتار سیاسی حاکمان و مردم، اساسی‌ترین مؤلفه نظام جمهوری اسلامی در غلبه بر چالشهای گوناگون، پیشرفت روز افزون کشور و الهام بخش آن در منطقه، جهان اسلام و ملت‌های آزاده بوده است. پدیداری و ماندگاری و باروری اندیشه

مقاومت که امروز به مؤلفه تعیین کننده و قدرتمند در معادلات منطقه و جهان اسلام تبدیل شده یکی از تأثیرات بسیار مهم و راهبردی انقلاب اسلامی است که متأثر از آرمان‌ها، ارزش‌ها و اندیشه‌های انقلابی بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، تدابیر و تصمیم‌های دورنگارانه و استراتژیک مقام معظم رهبری به عنوان جانشین ایشان است (محمدی، ۱۳۹۹: ۱۷۶). در راستای درک صحیح اندیشه‌های امام خمینی (رحمه‌الله علیه) می‌بایست آن مفهوم را در نگرش کلی ایشان جستجو نمود و از آنجا که اقدامات ایشان ریشه در نگاه دینی ایشان، عمل به تکالیف الهی و تحقق اسلام ناب محمدی (ص) صورت پذیرفته است می‌توان به صراحت دریافت که برنامه ایشان در راستای محقق نمودن این راهبرد، دعوت جوامع به پایداری است (محمدی، ۱۳۹۹: ۱۷۶). دعوت به مقاومت از سوی ایشان در دو حوزه قابل بررسی است؛ مقاومت در برابر دشمن درونی و پایداری برای حفظ ارزشهایی چون وحدت، عدالت و دفع دشمن بیرونی. «ما تا آخر عمر علیه دولت آمریکا مبارزه می‌کنیم، و تا آن را به جایش نشانیم و دستش را از منطقه کوتاه نکنیم، و به تمام مبارزان راه آزادی کمک نکنیم تا آنها را شکست دهند، از پای نمی‌نشینیم». (صحیفه نور، جلد ۱۵: ۱۷۵) شاید امروز نتیجه این اندیشه‌ها در تشکیل محور مقاومت تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران متجلی گردد. محوری که امروزه به کابوسی برای غرب و متحدان منطقه‌ای آن تبدیل شده است و اهداف خود را در منطقه و کشورهای هدف به پیش می‌برد و تاثیرگذاری آن روز به روز بیشتر و کامل تر می‌گردد. بسیاری از صاحب نظران و اندیشمندان تولد این محور را همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دانسته و تقویت آن را موهون حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران می‌دانند.

نتیجه گیری

اندیشه دفاعی در هر کشور و نظامی از مهمترین ملزومات حکمرانی می‌باشد. و هر میزان اندیشه دفاعی منحصر به فرد و خود ساخته باشد به همان اندازه موجبات ایجاد امنیت و اقتدار کشور را فراهم می‌نماید و زمینه‌های حکمرانی مطلوب را ایجاد می‌کند. اندیشه دفاعی در جمهوری اسلامی ایران برگرفته از آراء و نظرات رهبر فقید انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) و پس از ایشان حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌باشد، که در مجموع و از اساس بر پایه تفکرات الهی و اسلامی و حکومت دینی بنیان نهاده شده است. اینکه بخواهیم این سلسله تفکرات و اندیشه‌ها را از یکدیگر جدا کنیم و به هر یک به صورت مجزا بنگریم، امکان پذیر نیست؛ چون

در عمل همگی در امتداد و مکمل یکدیگر می‌باشند.

در این میان، اندیشه صدور انقلاب، استکبار ستیزی و اندیشه مقاومت را شاید بتوان سه مورد تاثیرگذار و مهم در اندیشه دفاعی امامین انقلاب و به ویژه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) دانست، که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بروز و ظهور عینی یافته، و باعث پیشبرد اهداف انقلاب گردیده است و همچنین موجبات افول قدرت ایالات متحده آمریکا را فراهم نموده است. صدور انقلاب به عنوان قدم اول در تاثیرگذاری خارجی مطرح می‌گردد و تا این اقدام صورت نگیرد، انتقالی در حوزه ارزشهای انقلاب رخ نخواهد داد. در قدم دوم استکبارستیزی و مقاومت از جمله ارزشهایی هستند که بیشترین تأثیر را بر قدرت و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی غرب و به ویژه ایالات متحده آمریکا داشته‌اند. به نظر می‌رسد امروز نیز صدور انقلاب، استکبارستیزی و مقاومت، کلیدواژه‌های اصلی در انقلاب اسلامی به شمار می‌روند و نادیده گرفتن هر کدام از این واژگان، انقلاب اسلامی را از اساس با چالش جدی مواجه می‌نماید. در مقابل، توجه به این واژگان در ابعاد نظری و عملی، می‌تواند باعث ایجاد قدرت نرم جمهوری اسلامی در سطح بین‌الملل و منطقه باشد.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- صحیفه نور.
- اقراریان، مهدی؛ پیشگاه هادیان، حمید؛ بلندیان، غلامحسین و اشرفی، اکبر (۱۴۰۰). طراحی و تدوین الگوی مساله‌شناسی در سیاست گذاری امنیتی مبتنی بر منظومه فکری آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)، مطالعات قدرت نرم، ۱۱(۳)، ۹۵-۱۲۳.
- ایزدی، فؤاد (۱۳۹۰). دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ایزدی، فؤاد؛ سقایی بی ریا، حکیمه و ثمودی، علیرضا (۱۴۰۰). واکاوی مسئله چراغ سبز دولت کارتر به صدام بر اساس اسناد تازه منتشر شده وزارت خارجه آمریکا. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۳)، ۹۱-۱۱۴.
- ایزدی، مصطفی و دولت‌شاه، بهروز (۱۳۹۶). گفت‌وگو با ولایت فقیه در حوزه اقتدار دفاعی - امنیتی، مطالعات راهبردی دفاعی، ۱۵(۶۷)، ۱۸۱-۲۱۰.
- آدمی، علی و قریشی، سیده مهدیه (۱۳۹۴). افول قدرت نرم آمریکا؛ شاخص‌ها و مؤلفه‌ها، سیاست جهانی، ۴(۴)، ۲۰۳-۲۴۰.
- بهادرخانی، محمد رضا (۱۴۰۰). مطالعه پیامدهای افول هژمونی ایالات متحده بر منطقه غرب آسیا با تأکید بر رویکرد رسانه‌ای، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، ۶(۸)، ۳۱۱-۳۳۳.
- بیات، مصطفی و همکاران (۱۴۰۰). پسا کرونا، افول هژمونی آمریکا و ظهور جهان منطقه‌ای ایران، روابط خارجی، ۱۳(۵۱)، ۵۹۷-۶۲۶.
- پیرانی، شهره و رضوی، سید عبدالله (۱۳۹۹). بررسی پارامترهای سیاسی-اقتصادی افول ایالات متحده آمریکا، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۰(۳۹)، ۸۱-۱۲۴.
- تاج بخش، غلامرضا (۱۴۰۰). واکاوی مولفه‌های سبک زندگی شهید سلیمانی. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۱)، ۱۳۷-۱۵۸.
- جباری ثانی، عباسعلی و چگینی، عباس (۱۴۰۰). تبیین جایگاه جبهه مقاومت اسلامی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۴)، ۱۱۱-۱۳۲.
- حسن‌لو، خسرو (۱۳۹۴). نظریه دفاع هوشمند در سپهر اندیشه‌های دفاعی، مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۴(۶۳)، ۲۹-۴۷.
- حسین خانی، نورالله (۱۳۹۲). مبانی نظری اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، تهران: انتشارات یاران شاهد.

حسینی پناه، رمضان؛ جوان آراسته، حسین و ابراهیمیان، حجت‌الله (۱۴۰۰). آمادگی دفاعی با رویکرد اصل ۱۵۱ قانون اساسی با تاکید بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۳)، ۱۷۳-۱۹۶.

خسرو شاهین، هادی (۱۳۹۹). علل و عوامل افول آمریکا؛ بر مبنای الگوی تعامل چندجانبه پویا به همراه پیشنهاد رویکردهای رسانه‌ای، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، ۵(۲)، ۱۱-۳۵.

خلف زاده، رشید؛ خوزین، حسن و شریفی، منوچهر (۱۴۰۰). راه‌های مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی). مطالعات دفاع مقدس، ۷(۱)، ۱۵۹-۱۸۱.

دانش آشتیانی، محمد باقر و رستمی، علی (۱۳۹۶). تحلیلی بر دکترین نظامی-دفاعی مقام معظم فرماندهی کل قوا در محیط ملی و بین‌المللی، علوم و فنون نظامی، ۱۲(۳۶)، ۵-۲۷.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۷). افول قدرت نرم آمریکا دلایل و پیامدها، مطالعات قدرت نرم، ۸(۱۹)، ۶۸-۳۵. رستمی پور، سجاد (۱۳۹۷). اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

سایت مقام معظم رهبری.

سبحانی فر، علی (۱۴۰۰). ارائه الگو دفاع نرم سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر گفتمان امام خامنه‌ای (مدظله العالی). مطالعات دفاع مقدس، ۷(۳)، ۶۹-۸۹.

سجادپور، سیدمحمدکاظم (۱۳۸۶). سیاست خارجی ایران چند گفتار در عرصه‌های نظری و عملی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

سلامی، حسین و یداللهی، رضا (۱۳۹۶). ارائه الگوی دفاعی حاکم بر اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۵(۶۹)، ۵-۳۲.

سیاهپوش، امیر (۱۳۹۸). سیاست داخلی از منظر آیت الله خامنه‌ای، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۴). سیاست خارجی ایران، تهران: نشر میزان.

صولتی سروندی، حسین؛ کلاتر مهرجردی، علیرضا (۱۳۹۸). هویت فرهنگی به مثابه گفتمان دفاعی در نظام فکری آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، علوم و فنون نظامی، ۱۵(۴۷)، ۱۴۳-۱۷۳.

عیوضی، محمدرحیم و هراتی، محمدجواد (۱۳۹۶). درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، قم: نشر معارف.

فرزندی اردکانی، عباسعلی و همکاران (۱۳۹۷). طراحی الگوی راهبردی - فرهنگی اقتصاد مقاومتی با ملاحظه اقتصادی- دفاعی مبتنی بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری در جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۷(۲۷)، ۱۴۵-۱۷۶.

قلی زاده، عبدالحمید و شفیعی، نوذر (۱۳۹۱). نظریه سیکل قدرت، چارچوبی برای تحلیل فرایند افول قدرت نسبی ایالات متحده و خیزش چین، روابط خارجی، ۴(۴)، ۱۳۷-۱۶۸.

- کبیری، ابوالحسن (۱۳۹۹). سیاست خارجی برگرفته از منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران. مطالعات دفاع مقدس، ۶(۴)، ۵۵-۷۵.
- محقق نیا، حامد (۱۴۰۰). یکجانبه گرایی دونالد ترامپ و افول قدرت نرم آمریکا در اقتصاد سیاسی جهانی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۴(۱)، ۱۲۱-۱۵۵.
- محمد میرزایی، حسن (۱۴۰۰). بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر افول هژمونی آمریکا، مطالعات بیداری اسلامی، ۱۱(۱)، ۲۹-۵۴.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۰). سیاست خارجی جمهوری اسلامی اصول و مسائل، تهران: نشر دادگستر.
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۹). ایران ابرقدرت منحصر به فرد، تهران: انتشارات فرشتگان فردا.
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۹). بازتاب انقلاب اسلامی بر جوامع بشری، تهران: انتشارات فرشتگان فردا.
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۹). سیاست خارجی تطبیقی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات فرشتگان فردا.
- محمودزاده، ابراهیم؛ فرجی، ایرج و قوچانی، محمدمهدی (۱۳۹۶). الگوی نوآوری در نیروهای مسلح از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مطالعات دفاعی راهبردی، ۱۵(۶۸)، ۲۷-۴۶.
- مردانی، مهدی (۱۳۹۷). مبانی و اصول قرآنی اندیشه دفاعی در اسلام، معرفت، ۲۷(۲۵۲)، ۵۵-۴۷.
- مردنی، محمدرضا (۱۳۹۹). جمهوری اسلامی در اندیشه معماران انقلاب اسلامی، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۱)، ۲۲۰-۲۳۹.
- موسوی نیا، سید مهدی و جمال زاده، ناصر (۱۳۹۹). گفتمان انقلابی گری در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۱)، ۱۷۷-۱۹۹.
- موسوی، سید سعید؛ نباتیان، محمداسماعیل؛ کلاتری، ابراهیم و حق گو، جواد (۱۳۹۹). مرجع امنیت ملی در اندیشه‌ی فقهی آیت‌الله خامنه‌ای، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۲)، ۱۳۱-۱۵۳.
- نجف زاده، فاطمه؛ حیدرپور، ماشاءالله و ترابی، محمد (۱۴۰۰). نقش جبهه مقاومت اسلامی در سیاست‌گذاری عمومی ایران در مقابله با تحریم‌های یک جانبه آمریکا. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۴)، ۱۳۳-۱۵۴.
- نرمانی، حسن؛ زارعی، غفار و روان بد، امین (۱۴۰۰). نقد تمدن نوین غرب از منظر گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر آراء حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی). مطالعات دفاع مقدس، ۷(۱)، ۹-۲۸.
- نوروزی، خلیل؛ زاهدی خوزانی، کریم و علویان، مجتبی (۱۳۹۸). شناسایی موجهای نوآوری نظامی در کشور مبتنی بر اندیشه‌های فرمانده معظم کل قوا، مدیریت نوآوری، ۸(۴)، ۱۲۳-۱۴۹.
- هداوند، سعید (۱۳۹۹). رویکرد آینده پژوهانه در مدیریت منابع انسانی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با ابتناء بر اندیشه‌های فرماندهی معظم کل قوا (مدظله)، علوم و فنون نظامی، ۱۶(۵۳)، ۱۴۴-۱۲۳.